

# یه حس خوب می‌یاد...

رویا صدر

تصویر گر: سام سلماسی



در زندگی معلمی حس‌های خوب و قشنگی هست که بر لحظات مات زندگی رنگ می‌زند؛ چنان رنگی که با هیچ سفیدکننده‌ای پاک نمی‌شود و تا آخر عمر لوح اعصاب و روان معلمان عزیز را مورد عنایت خاص خود قرار می‌دهد. بیایید با یادآوری این حس‌ها لحظات بیکاری‌مان را با هم تقسیم کنیم:

● حس زیبای مشاهده شاگرد درس‌نخوان سابق در بالا رفتن از پله‌های نردبان ترقی وقتی تو پایین نردبان ایستاده‌ای و همچنان به شاگردانی مثل او می‌گویی: «اگر بخواهی همین‌طور درس بخوانی به هیچ جا نمی‌رسی و می‌شوی انگل اجتماع!»

● حس خوب این واقعیت شیرین که در خانه تازه‌ها با شاگردت همسایه شده‌ای، و می‌توانی از اینکه کسی در تمام لحظات زندگی‌ات مشتاقانه مراقب توست و کوچک‌ترین حرکتت را با ذوق پیگیری و گزارش می‌کند، با تمام وجود از لذتی مبهم و شیرین سرشار شوی.

● حس زیبای پریدن از خواب شبانگاهی با صدای آهنگ پیامک قالی‌شویی برادران دارقوزآبادی و اینکه در این دنیای بزرگ و در دل تاریکی شب، هنوز هستند کسانی که دلشان حتی برای قالی‌های یک معلم هم می‌تپد.

● حس قشنگ فشار دادن دکمه ارسال یک پیام یا پیامک خصوصی شاعرانه و صمیمانه به یک عزیز در یک شبکه مجازی با تجسم لیخند زیبای او، ... اما فقط تا آن لحظه که دستت نباید پیام را اشتباها برای شاگردت ارسال کرده‌ای!





● حس زیبای تماشای اولین اشعه طلوع آفتاب در گوشه خیابان، در حالی که ناشتایی نخورده پس از ترک رختخواب گرم لحظات پر هول و هراس «ای وای... دیرم شد» صبحگاهی را سپری کرده و چشم‌انتظار سرویس معلمان مدرسه‌ای، اما نمی‌دانی به علت اعلام تعطیلی مدارس به خاطر آلودگی هوا یا سرما یا هر دلیل ارضی و سماوی دیگری، در آن روز سرویس نمی‌آید و حالا تو می‌توانی با دل سیر و فراغت خاطر به تماشای بیرون آمدن زیبای آفتاب از پشت دودها بایستی...



● حس زیبای مشاهده عطش و علاقه شاگردان به آموختن! که هر وقت می‌خواهی از آن‌ها درس بپرسی، علاقه‌شان گل می‌کند و به بار می‌نشیند که: «اجازه! ما سؤال داریم.»

● لحظات خوب و قشنگ مشاهده دانش‌آموزانی که دقایق متمادی با گل لبخند، به تو خیره شده‌اند... و تو از درک عمیق باز بودن دکمه‌ات که پیش از وارد شدن به کلاس یادت رفته است آن را ببندی بی‌خبری.

● حس خوب اینکه همیشه فکر کنی بدون تو گردش کائنات متوقف می‌شود؛ بنابراین باید در هر شرایطی سر کلاس حاضر بشوی، حتی خوابیده روی برانکارد! و گرنه «کلاس بی‌معلم می‌مونه، اونوقت چکار کنیم؟! مگه می‌شه؟!»



● حس خوب سر و کله‌زدن با تکنولوژی مدرن و سیستم آموزش و پرورش هوشمند، وقتی می‌دانی که شاگردت خدا را شکر، چشم بد دور همیشه چندین قدم از تو جلوتر است و می‌تواند با لبخندی نمکین، مدام اشتباهات را زیر نظر داشته باشد...

● حس خوب تصحیح کوهی از اوراق امتحانی و تکالیف شاگردان در کسالت و بالاتکلیفی و بیکاری و انتهای شبهای پاییز و زمستان پس از یک روز شلوغ کاری.

و بالاخره...

● احساس زیبای حضور سروقت و بدون تأخیر در مدرسه وقتی دستت می‌آید که به علت تمجید از مقام والای معلم در مراسم روز معلم کلاس‌ها تعطیل است!